

انتظار تاریخ

دکتر محمد حسن زورق



فهرست مطالب

۱۱	 مقدمه
۱۷	 ۱. انسان و عشق خدا
۳۰	 ۲. انسان، خدا و صلح
۳۶	 ۳. بعثت محمدی و صلح
۴۲	 ۴. قریش و فرآیند صلح
۴۵	 ۵. قریش و تناقض بزرگ
۴۸	 ۶. تحول در بنی امیه
۵۱	 ۷. ریشه‌های تضاد اجتماعی در جامعه‌ی اسلامی
۵۴	 ۸. تأثیر گروهش ابوسفیان به اسلام در جامعه‌ی اصحاب پیامبر
۶۱	 ۹. نمادها و نهادها
۶۷	 ۱۰. اولین اختلاف
۶۹	 ۱۱. پس از فتح مکه
۷۲	 ۱۲. انشقاق در صف اصحاب
۷۷	 ۱۳. راهبردهای پیامبر

۸۱	۱۴. دومین اختلاف.....
۸۳	۱۵. تهدید شدن یک فرصت.....
۸۵	۱۶. علی و تداوم امامت.....
۸۷	۱۷. عبور از امامت و تشدید تضادها.....
۹۱	۱۸. فرصت طلبی عباسیان.....
۱۰۰	۱۹. راهبردهای عباسیان در دوران استفاده از قدرت نرم.....
۱۰۶	۲۰. سه امام اکثریت خاموش.....
۱۱۰	۲۱. احمد بن حنبل مجدد سنت.....
۱۱۳	۲۲. پایان عصر اجتهاد در اهل سنت و جماعت.....
۱۱۴	۲۳. میانگین طول عمر امامان اسلام در دو دوره قدرت نرم و قدرت سخت.....
۱۱۶	۲۴. مذاهب اصلی در جهان اسلام.....
۱۲۰	۲۵. امامت و آزادی.....
۱۲۱	۲۶. دو اقلیت و یک اکثریت.....
۱۲۸	۲۷. تضادهای اجتماعی و سه دوره‌ی تاریخی.....
۱۳۰	۲۸. مقاومت در مقابل امامت.....
۱۳۳	منابع.....

فهرست نمودارها

- نمودار شماره‌ی ۱: چرخه‌ی سعادت ۲۷
- نمودار شماره‌ی ۲: چرخه‌ی شقاوت ۲۸

فهرست جدولها

- جدول شماره‌ی ۱: امامان اکثریت خاموش در دوران استفاده از قدرت نرم ۱۱۰
- جدول شماره‌ی ۲: میانگین طول عمر امامان اسلام در دو دوره‌ی استفاده از قدرتهای نرم و سخت ۱۱۵
- جدول شماره‌ی ۳: امامان اهل جماعت و سنت در دو دوره‌ی استفاده از قدرتهای نرم و سخت ۱۱۵
- جدول شماره‌ی ۴: ویژگیهای مذاهب اسلام ۱۲۰
- جدول شماره‌ی ۵: دسته‌بندی مذاهب ۱۲۲
- جدول شماره‌ی ۶: ترکیب‌بندی نیروهای اجتماعی در جهان اسلام در شرایط انقلابی ... ۱۲۴
- جدول شماره‌ی ۷: ترکیب‌بندی نیروهای اجتماعی در جهان اسلام در شرایط اختناق و سرکوب ۱۲۴

مقدمه

اسلام با ظهور خود انقلابی جهانی به وجود آورد و در نتیجه‌ی این انقلاب جهانی، یک جهانی‌سازی صورت گرفت و نتیجه‌ی نهایی این جهانی‌سازی، پیدایش «ملت اسلام» در ظرف جغرافیایی تمدن اسلامی بود. ظرف جغرافیایی تمدن اسلامی از سلسله جبال هیمالیا در آسیا شروع شده و از طریق شمال آفریقا و شبه جزیره‌ی ایبری به سلسله جبال پیرنه در جنوب فرانسه منتهی می‌شود.

امروزه در «ظرف جغرافیایی تمدن اسلامی» کشورهای وجود دارند که رسماً مسلمان نیستند، مانند اسپانیا و پرتغال و از طرف دیگر کشورهای اسلامی دیگری وجود دارند که در ظرف جغرافیایی تمدن اسلامی قرار ندارند، مانند مالزی و اندونزی و مغولستان. ویژگی «ظرف جغرافیایی تمدن اسلامی» در آن است که:

۱. در اولین موج گسترش اسلام و نخستین موج انقلاب جهانی اسلام که در سده‌ی نخست پیدایش اسلام صورت گرفت، این ظرف جغرافیایی به تصرف اندیشه و فرهنگ و نظام ارزشهای اسلامی درآمد.

۲. در ظرف جغرافیایی تمدن اسلامی، «انسان گونه‌ی تمدن اسلامی» زندگی می‌کند که نتیجه‌ی آمیزش مردم از نژادهای بزرگ بشری در این ظرف جغرافیایی است. در شمال این ظرف، نژاد سفید اروپایی زندگی می‌کند، با قد بلند، موی طلایی و چشم آبی و در جنوب این ظرف، انسان سیاه‌پوست آفریقایی، با قد بلند، پوست سیاه و موی مجعد و در شرق آن، انسان زردپوست.

«انسان گونه‌ی تمدن اسلامی»، قد متوسط و پوست گندمگون دارد و نتیجه‌ی آمیزش نژادهای مختلف در «ظرف جغرافیایی تمدن اسلامی» در نخستین موج جهانی‌سازی است که به وسیله‌ی انقلاب جهانی اسلام در سده‌ی نخست هجری صورت گرفت و امروز نیز با انقلاب صنعتی و افزایش آمیزشهای بین نژادی این گونه‌ی انسانی در حال گسترش است.

۳. تمام مفاخر تمدن اسلامی از «ظرف جغرافیایی تمدن اسلامی» برخاسته‌اند؛ نظیر ابن سیناها، ابن حزم‌ها، ابن خلدون‌ها، ابن‌رسته‌ها، ابن‌رشته‌ها، ابن‌ندیم‌ها، ابن‌یونس‌ها، الازهری‌ها، ابوریحان بیرونی‌ها، ابوسهل فضل‌ابن‌نوبخت‌ها، ابوعلی‌الحسن المراکشی‌ها، ابوالفرج‌ها، ابومعشر البلیخی‌ها، ابومنصور الازهری‌ها، ابوالوفاء البوزجانی‌ها، احمدبن‌سلیم رازی‌ها، احمدبن‌عبدالجلیل اسجزی‌ها، ادریسی‌ها، مولوی‌ها، اصمعی‌ها، آلوسی‌ها، زادالفروح الغاوسی‌ها، ایچی‌ها، بشاری‌ها، بلگرامی‌ها، شیخ‌بهایی‌ها، بیرجندی‌ها، ثابت‌بن‌قره‌ها، جرجانی‌ها، جوهری‌ها، حافظ‌ها، حامدبن‌خضر خجندی‌ها، حسن‌بن‌سهل نوبخت‌ها، حنین‌بن‌اسحاق‌ها، خازنی‌ها، خورازمی‌ها، خیرآبادی‌ها، ابوبکر محمدبن‌زکریا رازی‌ها، زجاجی‌ها، زرقابی‌ها، دوزنی‌ها، سرخسی‌ها، یعدی‌ها، سهروردی‌ها، ستدبن‌علی‌ها، سیالکوتی‌ها، صاعد اندلسی‌ها،

طبری ها، طوسی ها، عضدالدین الایجی ها، عبدالله بن اماجورها، علی بن الاسطرلابی ها، غزالی ها، فارابی ها، فرغانی ها، فضل بن حاتم نیریزی ها، قاضی زاده ی رومی ها، نجم الدین قزوینی ها، قطب بن شیرازی ها، کلبی ها، کندی ها، محمد بن ابراهیم شیرازی ها، محمد بن البوزجانی ها، محمود شکرى آلوسی ها، محمود انعلکی ها، مسعودی ها، مقریزی ها، میدی ها، نجم الدین دبیران الکاتبی القزوینی ها، خواجه نصیرالدین طوسی ها، نظامی ها، یاقوت حموی ها، یعقوب بن علی قصرائی ها، و هزاران ریاضیدان، طبیب، ستاره شناس، شاعر، عارف، فیلسوف، شیمیدان و فیزیکدان دیگر از ظرف جغرافیایی تمدن اسلامی از خجند، بدخشان، خوارزم، سمرقند، بخارا، شیراز، اصفهان، ری، بغداد و قاهره تا مراکش، الجزایر، اسپانیا و پرتغال برخاسته اند. این مردان بزرگ سازندگان فرهنگ اسلامی را نمی توان براساس ادبیات جغرافیای سیاسی کنونی معرفی کرد. ابن سینا را نمی توان گفت افغانی است یا ایرانی؛ یا تاجیک است یا عرب؛ او در بلخ به دنیا آمد و مدتی در بخارا زندگی کرد و در همدان از دنیا رفت و تمام آثارش را به زبان عربی نوشت ولی او نه افغانی است و نه ایرانی، و نه عرب؛ در حالی که هم افغانی است و هم ایرانی و هم عرب است! واقعیت این است که این چهره ها متعلق به تمامی کشورهای اسلامی هستند و نمی توانند در آن واحد به چند کشور تعلق داشته باشند. ما اگر زبان را ملاک هویت آنها بگیریم، ابن سینا عرب، و مولوی ایرانی - افغانی و تاجیک و... می شود، چون زبان این کشورها فارسی است. و اگر محل تولد را ملاک هویت آنها بگیریم، نه ابن سینا و نه مولوی هیچ کدام ایرانی نخواهند شد، بلکه هر دو افغانی به حساب خواهند آمد. و اگر محل وفات را معیار هویت بگیریم، ابن سینا ایرانی، و مولوی ترک خواهد

بود، لذا بهتر است توجه کنیم که ادبیات سیاسی در دوران معاصر از بعضی جهات با تزویر غرب و جغرافیای سیاسی، با شمشیر غرب و مشخصاً جغرافیای سیاسی در آسیای مرکزی و خاورمیانه با شمشیر انگلوساکسونها به وجود آمده است و اصولاً هیچ گونه اصالت تاریخی ندارد. آنچه از نظر تاریخی اصالت دارد «ظرف جغرافیایی تمدن اسلامی» است که متعلق به تمام مسلمانان جهان و به ویژه انسانهایی است که در این ظرف زندگی می کنند.

امروز تاریخ، در «ظرف جغرافیایی تمدن اسلامی» از امت اسلام، ملّتی با سرزمین و تاریخ و دین و خط و فرهنگ و نژاد و هویت مشترک ساخته است، ملّتی که به دلیل سلطه‌ی غرب، فاقد دولت مشترک است در حالی که برای قرن‌ها (و حداقل در پنج سده‌ی نخست هجری) دولت مشترک هم داشته است.

این ملّت را با خنجر تسلیحات و تبلیغات و تعلیمات استعماری پاره پاره کرده‌اند و اجازه نمی دهند تا به خود آید و بداند کیست تا بتواند به وسیله آگاهی از هویت خود، آزادی خود را به دست آورد. ظرف جغرافیایی تمدن اسلامی البته کوچک تر از کشور روسیه (از نظر وسعت)، و کوچک تر از چین (از نظر جمعیت) و یکدست تر از هند (از نظر اشتراکات مذهبی) است و با همه‌ی شاخصه‌هایی که یک ملّت دارد و ما آن را «ملّت اسلام» می نامیم، واقعاً یک ملّت است.

نوشته‌ی پیش رو، در صدد است ریشه‌ی تضادهای اجتماعی در این ملّت را از نظر تاریخی ردیابی کند؛ زیرا بی تردید با شناسایی این ریشه‌ها می توانیم هویت خود را بشناسیم؛ وحدت خود را به دست آوریم و از نو خانه‌ی اسلام را برای فرزندان اسلام بنیان نهیم.

آذرماه ۱۳۹۳

تهران، محمدحسن زورقی

از درگاه خداوند بزرگوار، بیداری اسلامی و هدایت الهی همای فرقی
اسلامی را درخواب است می کنیم و امیدواریم با بیداری امت اسلام، زمینه‌ی
عملی تجدید حیات تمدن اسلامی با دو شعار بزرگی عدالت و آزادی
بر اساس جهان‌بینی توحیدی به وجود آید و مسلمانان جهان دست در
دست یکدیگر فصل نوینی در تاریخ بشر پدیدار سازند. چنین باشد.